

# تلاش‌های امام کاظم علیه السلام و نهادینه سازی فرهنگ انتظار

طه تهامی

## اشاره

یافته؛ ولی هنوز آمادگی کامل و کافی برای درک عمیق از مهدویت و انطباق آن با آموزه‌های امامت را نداشت و ناتوان‌تر از آن بود که بر فتنه‌ها و تردیدهای دوره غیبت فائق آید؛ رهبری کرد. با ظهور مدعیان جدید مهدویت، گاهی شیعه دچار تزلزل یا تردید می‌شد و هر از چند گاهی با فتنه‌هایی جدید از درون و برون مواجه می‌گردید. این مقاله نیم‌نگاهی به تلاش‌های آن امام همام در زمینه سازی غیبت و نهادینه سازی فرهنگ انتظار دارد.

## تلاش‌های امام کاظم علیه السلام و نهادینه سازی فرهنگ انتظار

امام در دو بُعد تلاش‌های خود را در

مهدویت، باوری ریشه‌دار در تاریخ بشر است. باور به وجود انسانی نجات‌بخش در آخر الزمان، منحصر به آموزه‌های اسلامی یا شیعی نیست. در هر دوره از تاریخ اسلام، مهدویت مفهومی تازه و نو می‌یابد تا به مفهوم امروزی آن در تشیع برسد. هر یک از ائمه علیهم السلام به سهم تاریخ و حیات فکری و سیاسی خود، به تبیین و فرهنگ‌سازی آن پرداخته‌اند تا اذهان شیعیان را آماده پذیرش این حقیقت ژرف فکری و تاریخی نمایند.

امام کاظم علیه السلام در دوران امامت خود در این عرصه قدم برداشت و جامعه شیعی را که گسترش کمی و جغرافیایی

این حوزه سامان بخشیدند:

### الف) اصلاح باورهای مهدویت

امام کاظم علیه السلام در گام نخست تلاش عمده‌ای برای اصلاح باورهای مربوط به مهدویت در دوران امامت خود و جامعه پیش رو انجام دادند؛ چه اینکه در این دوره به مقوله مهدویت از سوی علویان و حتی عباسیان توجه زیادی شکل گرفت و حتی آنان به دنبال این بودند تا از ظرفیت مهدی طلبی مردم سوءاستفاده کنند. هرچند باید گفت که اصالت تاریخی باور به منجی موعود، از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و حتی قبل از اسلام وجود داشته و تاکنون ادامه یافته است که با توجه به اوضاع دشوار سیاسی عصر حضور برای بیان معارف شیعی، گاه مورد سوءاستفاده جریان‌ها و مدعیان مهدویت شده که می‌خواستند از اوضاع دشوار سیاسی آن دوره استفاده و عده‌ای را دور خود جمع کنند.

امام دقیقاً از آغاز امامت در خصوص مهدویت و اصلاح باورهای آن تلاش خود را شروع کردند؛ زیرا شهادت امام صادق علیه السلام مقارن با اوج گرفتن قدرت خاندان عباسی بود. اختناق شدید در مدینه پس از وفات آن حضرت و تلاش

برای دستگیری یاران امام، سبب تقیه شدید حضرت و حتی ابراز نکردن امامت خویش تا مدتی بین یاران خود شد.<sup>۱</sup> منصور چنان از قیام امام صادق علیه السلام می‌ترسید که دستور داد هر کسی را که حضرت به جانشینی آن حضرت، امر کرده، گردن بزنند. از سوی دیگر، فطحیه گروهی با ادعای مهدویت و به دنبال سرنگونی حکومت منصور بودند. در این راستا، در گزارشی از «ابو ایوب خوزی» آمده است: نیمه شبی ابو جعفر منصور دنبال من فرستاد. من نزدش رفتم. او روی کرسی نشسته بود و شمعی در برابر و نامه‌ای در دست داشت. چون سلامش گفتم، نامه را به طرف من انداخت و گریست. سپس گفت: «هَذَا كِتَابُ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ يُخْبِرُنَا أَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ قَدْ مَاتَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ثَلَاثًا وَ أَيْنَ مِثْلُ جَعْفَرٍ؟» این نامه از محمد بن سلیمان است که گزارش می‌دهد جعفر بن محمد علیه السلام وفات یافته است و سه مرتبه کلمات استرجاع را تکرار کرد و گفت: کجا مانند جعفر یافت شود؟» سپس به من

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ج ۱، ص ۲۸۵.

پس از شهادت امام صادق علیه السلام و آغاز امامت حضرت کاظم علیه السلام این ایده مطرح شد که ایشان رحلت نکرده؛ بلکه ظهور خواهند کرد و امام صادق علیه السلام را همان مهدی موعود معرفی کردند. این افراد که «ناووسیه» نامیده شدند، احادیثی را درباره مهدویت امام صادق علیه السلام به ایشان نسبت می‌دادند.<sup>۲</sup> فرقه انحرافی دیگری که در این عصر پدید آمد و به موضوع مهدویت مرتبط شد، اسماعیلیه است. برخی از شیعیان امام صادق علیه السلام بعد از شهادت ایشان، به امامت اسماعیل، فرزند آن حضرت معتقد شدند؛ در حالی که اسماعیل در زمان حیات پدر وفات یافت. این گروه فوت اسماعیل را انکار کرده، معتقد بودند که امام صادق علیه السلام به امامت او اشاره کرده است و امام جز حق چیزی نمی‌گوید. این فرقه مراسم تشییع جنازه و دفن اسماعیل را شگرد امام صادق علیه السلام برای حفظ جان او دانسته، معتقد شدند که اسماعیل همان مهدی موعود است؛ غایب شده و ظهور

گفت: بنویس! من مقدمه نامه را نوشتم. آنگاه گفت: بنویس اگر او به شخص معینی وصیت کرده است، او را پیش آر و گردنش را بزن. جواب آمد که او به پنج نفر وصیت کرده است که یکی از آن‌ها ابوجعفر منصور است و دیگران: محمد بن سلیمان، عبدالله و موسی دو پسر جعفر و حمیده.<sup>۱</sup>

تدبیر امام صادق علیه السلام در تعیین جانشین خود، توطئه منصور را خنثی نمود؛ اما فطحیان با ادعای امامت از سوی عبدالله (فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام) ادعای مهدویت او را داشتند و با مرگ وی، پس از هفت ماه از بین رفتند. این فتنه اگرچه به تلاطم در جامعه شیعی و بروز برخی انحرافات انجامید؛ ولی حکومت را نیز از اقدام خشن نسبت به شیعه و امام بازداشت؛ زیرا پیدایش اختلاف و دودستگی در میان شیعه، به حکومت این امید را می‌داد که بدون نیاز به اقدام خشن، بتواند حرکت اصیل شیعی را گرفتار اضمحلال کند و بر تسلط و اقتدار خویش بیفزاید.

۲. فرق الشیعة، حسن بن موسی نوبختی، دارالسلام،

بیروت، بی تا، ص ۶۷.

۱. همان، ص ۳۱۰.

خواهد کرد. آنان گروه اسماعیله خالصه نامیده شدند<sup>۱</sup> که مشکلات زیادی را برای امام کاظم علیه السلام به وجود آوردند.

در این بین برخی شیعیان نیز در این موج مهدی خواهی نزد امام کاظم علیه السلام می آمدند و از ایشان درخواست هایی مشابه داشتند. نوشته اند: یونس بن عبدالرحمن نزد امام کاظم علیه السلام آمد و پرسید: آیا شما قیام کننده به حق هستید؟ امام فرمودند: من قیام کننده به حق هستم؛ اما قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک و زمین را از قسط و عدل پر می کند، چنان که از ظلم پر شده باشد، پنجمین فرزند من است. او غیبتی طولانی خواهد داشت.<sup>۲</sup>

امام علاوه بر آشنا کردن دقیق شیعیان با آموزه مهدویت، به تدریج آنان را برای عصر غیبت آماده می ساختند. هرچند با توجه به بیانات امامان گذشته مانند امام باقر و صادق علیهما السلام در این موضوع، مطمئناً بسیاری از شیعیان گرفتار این گونه ابهام ها نبودند؛ اما با توجه

به اهمیت انتظار و نقش آن در رشد جامعه شیعی، حضرت تلاش می کردند تا شیعیان به سبب دوری عصر ظهور، گرفتار یأس و رکود نشوند.

«حسن بن حسن» از روایان احادیث، می گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: امام صادق علیه السلام شما را قائم به این امر معرفی کردند. حضرت فرمودند: مگر من قیام کننده به این امر نبودم؟ ای حسن! هر امامی که در میان امتی قیام می کند، او قائم آنان است. زمانی که دوره آنان بگذرد، کسی می آید که او قائم و حجت است که از مردم غایب می شود.<sup>۳</sup>

چنان که گفته شد، این گونه پاسخ ها که از طرفی قائم بودن هر یک از ائمه علیهم السلام را تأیید و از طرفی قائم موعود را فرد دیگری معرفی می کنند، روشی برای زنده نگهداشتن اندیشه مهدویت بوده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که امام کاظم علیه السلام را به «یزید صائغ» قائم آل محمد صلی الله علیه و آله معرفی کردند<sup>۴</sup> که البته این فرد دروغگو معرفی شده

۱. همان، ص ۶۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی صدوق، انتشارات اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ج ۲، ص ۳۶۱.

۳. الغیبة، ص ۴۱.

۴. همان، ص ۴۴.

وارث (حکومت) زمین خواهند شد.»  
 امام کاظم علیه السلام در بخش دیگری از تلاش‌های خود، به تبیین ضابطه‌مند و اصولی مهدویت و انتظار در جامعه شیعی پرداختند که این تلاش‌ها بر چند پایه استوار بود:

### ۱. مهدی شناسی

یکی از اساسی‌ترین مباحث در مهدویت، شناخت مصداق مهدی آخرالزمان است که همواره در آن تردید شده و مصادیق آن باعث بروز اختلافاتی در فرق و مذاهب می‌شده است. امام کاظم علیه السلام مشخصاً به معرفی مهدی موعود علیه السلام می‌پرداختند؛ ولی اظهار می‌فرمودند که مردم تولدش را انکار خواهند کرد. ایشان از امامتی خبر می‌دادند که سراسر در پشت پرده شکل خواهد گرفت و عموم مردم از مشاهده و شناخت آن امام محروم خواهند بود.

حضرت برای روشن شدن نام مهدی در حدیثی فرمودند: «إِذَا تَوَالَّتْ ثَلَاثَةُ أَسْمَاءٍ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ فَالرَّابِعُ هُوَ الْقَائِمُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ؛<sup>۴</sup> هنگامی که

است.<sup>۱</sup> اگر این نقل صحیح باشد، به نظر می‌رسد که مقصود قیام به امر، امامت و مهدویت در معنای لغوی و عام آن به معنای هدایت‌گر است، نه مهدی مصطلح.

### ب) تبیین باورهای مهدویت

باور به ظهور منجی، امری مسلم است که دلایل قرآنی و روایی فراوانی دارد و اراده الهی است که روزی آن منجی حقیقی خواهد آمد. در قرآن کریم آمده است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛<sup>۲</sup> «و ما اراده می‌کنیم بر مستضعفان زمین متت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.» پس روزی که صالحان، وارث زمین خواهند شد و آن را از چنگال طالحان و جباران رها خواهند ساخت و فرمود: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛<sup>۳</sup> «در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام

۱. معجم رجال الحديث، سید ابوالقاسم خوئی،

دارالاعلمی، بیروت، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۱۲۱.

۲. قصص / ۵.

۳. انبیاء / ۱۰۵.

۴. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن

محمد مفید، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ج ۲،

سه اسم محمد، علی و حسن پشت هم آمد، پس از آن چهارمین، قائم - درود خدا بر او و بر آنان - است.»

امام کاظم علیه السلام جایی برای شک در سلسله وصایت باقی نگذاشته، در روایتی دیگر به همسانی ترتیب نام‌های مقدس اهل بیت، از پیامبر تا امام عسکری علیه السلام توجه داده‌اند که شیوه‌ای زیبا برای تعیین مهدی حقیقی است. گرچه فتنه واقفیه پس از رحلت امام کاظم علیه السلام شکل گرفت؛ ولی برخی روایات از توجه امام به این فتنه خبر می‌دهند. در روایتی، امام کاظم علیه السلام به فاصله زمانی زیاد میان عصر خویش و تولد قائم اشاره می‌فرمایند تا مردم ایشان را بهتر بشناسند و فریب مدعیان مهدویت را نخورند.

در روایتی آمده است: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَخِي فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَنْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ فَقَالَ: أَمَّا إِيَّاهُمْ يُفْتَنُونَ بَعْدَ مَوْتِي فَيَقُولُونَ هُوَ الْقَائِمُ وَمَا الْقَائِمُ إِلَّا بَعْدِي بَسِينِينَ؛<sup>۱</sup> از علی بن جعفر نقل شده است که مردی نزد

ص ۱۳.

۱. رجال الكشي (إختيار معرفة الرجال)، محمد بن عمر كشي، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد، چاپ اول، ص ۴۵۹.

برادرم امام کاظم علیه السلام آمد و عرض کرد: فدایت شوم! صاحب این امر کیست؟ امام فرمودند: آگاه باشید! به راستی آنان پس از مرگم دچار فتنه شده، می‌گویند: اوست قائم و قائم جز سال‌ها پس از من نخواهد بود.»؛ زیرا گسترش شیعیان و قیام‌ها، این توقع را در برخی اذهان پدید می‌آورد که امام کاظم علیه السلام همان مهدی موعود علیه السلام است. توهمی که برداشت نادرست از برخی منقولات به آن دامن می‌زد. به همین منظور، در روایتی از «یونس بن عبدالرحمن» آمده است: «دَخَلْتُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ فَقَالَ: أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي؛<sup>۲</sup> بر موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا! تو قیام‌کننده به حق هستی؟ فرمودند: من قائم به حق هستم؛ ولی قیام‌کننده‌ای که زمین را از دشمنان خدای چیره و بزرگ پر از عدل می‌کند؛ همان گونه که پر از ستم و ظلم شده بود. او پنجمین از

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۱.

فرزندان من است.»

امام کاظم علیه السلام افزون بر تصحیح این منقولات، به این نکته اشاره کردند که اگرچه او نیز به امر پروردگار قیام کرده و حرکت الهی را تداوم می بخشد؛ اما آن که زمین را از لوث آلودگی ها پاک می کند، ایشان نیستند.<sup>۱</sup>

## ۲. توجه دادن به مقوله انتظار فرج

سختی دوران انتظار در روایات زیادی همواره اشاره شده است. مثل این روایت: «عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هِلَالٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَاتَ أَبِي عَلَيَّ هَذَا الْأَمْرَ وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ السِّنِّ مَا قَدْ تَرَى أُمُوتُ وَلَا تُخْبِرُنِي بِشَيْءٍ. فَقَالَ: يَا أَبَا إِسْحَاقَ! أَنْتَ تَعْجَلُ؟ فَقُلْتُ: إِي وَاللَّهِ أَعْجَلُ وَمَا لِي لَا أَعْجَلُ وَقَدْ كَبِرَ سِنِّي وَبَلَغْتُ أَنَا مِنَ السِّنِّ مَا قَدْ تَرَى. فَقَالَ: أَمَا وَاللَّهِ يَا أَبَا إِسْحَاقَ! مَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى تُمَيِّزُوا وَتُحَصِّصُوا وَحَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَقْلُ ثُمَّ صَعَرَ كَفَّهُ»<sup>۲</sup> ابراهیم بن هلال گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! پدرم بر اعتقاد به این امر از دنیا رفت و من نیز به

سنّ و سالی رسیده ام که می بینید! من می میرم و شما خبری به من نمی دهید؟ حضرت فرمودند: ای ابا اسحاق! تو نیز شتاب می کنی؟ عرض کردم: بلی، به خدا قسم! چرا نباید شتاب کنم، در حالی که سنّم بالا رفته و از سنّ و سال بدان پایه رسیده ام که خود می بینید؟ پس فرمود: ای ابا اسحاق! آن امر واقع نخواهد شد تا اینکه از یکدیگر باز شناخته شوید و پاک سازی گردید و از شما جز تعداد بسیار کمی باقی نماند. سپس کف دست خود را [به نشانه بی اعتنایی] برگرداند.»

امام کاظم علیه السلام همواره می فرمودند که پس از غیبت، رحمتی که حاصل حضور امام است، از دل ها رفته و دین دین داران در معرض خطر خواهد بود و ظهور رخ نخواهد داد، مگر پس از آنکه خوبان از بدان جدا شوند و شیعیان از آلودگی ها پاک گردند تا جایی که کسی جز عده کمی باقی نماند: امام کاظم علیه السلام فرمودند: «هنگامی که پنجمین از فرزندانم غیب گردد، رحمت از دل شیعیان ما گرفته می شود تا هنگامی که قیام کننده ظهور کند، پس خدا را خدا را در دینهایتان که هیچ کس از شما جدایش نکند. به راستی

۱. الغيبة النعمانية، محمد بن ابراهیم نعمانی، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ص ۲۰۸.

۲. همان.

صاحب این امر ناگزیر از پنهان شدنی است که جمعیت بسیاری از معتقدان به این امر از آن بر می‌گردند.<sup>۱</sup>

امام حتی شیعیان را به بازگشتن از دین خود می‌ترسانند تا بدانند چه انتظار سختی در انتظار ایشان است. بر این مبنا می‌فرماید: «لَهُ غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمْدُهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يُثَبِّتُ فِيهَا آخَرُونَ»<sup>۲</sup> برای او پنهان شدنی است که از ترس جاننش زمان آن طولانی می‌شود. در این مدت، گروه‌هایی از دین باز می‌گردند و برخی در آن استوار می‌مانند.»

### ۳. تشریح حکومت مهدوی

در اندیشه امام کاظم علیه‌السلام حتی به برخی قوانین در حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام اشاره شده است، از جمله می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا قَالَ: يَا مَعْشَرَ الْمُرْسَانِ سِيرُوا فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ يَا مَعْشَرَ الرِّجَالِ سِيرُوا عَلَى جَنْبِ الطَّرِيقِ فَأَيُّمَا فَارِسٍ أَخَذَ عَلَى جَنْبِ الطَّرِيقِ فَأَصَابَ رَجُلًا عَيْبٌ الزَّمَانِ الدِّيَّةَ وَ أَيْمَارَ رَجُلٍ أَخَذَ فِي وَسْطِ

الطَّرِيقِ فَأَصَابَهُ عَيْبٌ فَلَا دِيَّةَ لَهُ»<sup>۳</sup> هنگامی که قیام کننده ما علیه‌السلام برخیزد، می‌گوید: ای جنگجویان شجاع! از میان راه و ای مردان! از دو سوی راه حرکت کنید. آنگاه هر سواره‌ای بر دو سوی مسیر به راه بیفتد و به فردی آسیبی بزند، او را مجبور به پرداخت دیه خواهیم کرد و هر پیاده‌ای در میانه مسیر راه پیماید و به او آسیبی برسد، دیه‌ای نخواهد داشت.»

از علی بن ابوحزمه بطائنی نقل شده در فاصله مکه و مدینه با امام همسفر بودم. روزی به من فرمودند: «ای علی! اگر به حقیقت، اهل آسمان و زمین بر فرزندان عباس خروج کنند، زمین از خونشان سیراب می‌شود تا زمانی که سفیانی خروج کند. عرض کردم: سرورم! موضوع او حتمی است؟ امام فرمودند: بله. سپس قدری سر به زیر انداخته، سر بلند کردند و فرمودند: مُلْكُ بَنِي الْعَبَّاسِ مَكْرٌ وَ خَدْعٌ يَذْهَبُ حَتَّى يُقَالَ: لَمْ يَبْقَ مِنْهُ شَيْءٌ ثُمَّ يَتَجَدَّدُ حَتَّى يُقَالَ: مَا مَرَّ بِهِ شَيْءٌ؛ پادشاهی فرزندان عباس نیرنگ است و فریب می‌رود تا جایی که بگویند چیزی از آن نمانده، سپس دوباره ساخته می‌شود تا

۱. ملاحم و الفتن، علی بن موسی بن طاووس، مؤسسه صاحب‌الأمر، قم، چاپ اول، ص ۳۵۳.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱.

۳. الغیبه، ج ۲، ص ۳۱۴.



صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى مَنْارَكَ فِي عِبَادِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الْمُؤَدِّي عَنْ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ إِذَا أَظْهَرْتَهُ فَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ وَسُقْ إِلَيْهِ أَصْحَابَهُ وَانصُرْهُ وَقَوِّ ناصِرِيهِ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ وَجَدِّدْ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ بَعْدَ الذَّلِيلِ الَّذِي قَدْ نَزَلَ بِهِمْ بَعْدَ نَبِيِّكَ؛<sup>۱</sup> بارخدايا! بر محمد و آل محمد درود فرست و نیز بر او که چراغ راهنمای تو در میان بندگان توست، همو که به اذن تو به سوی تو دعوت می‌کند و فرمان تورا بر پا می‌دارد و پیام رسول تورا، که بر او و خاندانش سلام باد، می‌رساند.

بارخدايا، آن‌گاه که او را آشکار ساختی، وعده‌ای را که به او داده‌ای به کار بند و یارانش را به سوی او روان کن و یاریش رسان و یارانش را نیرو ده و او را به بهترین آرزویش برسان و خواسته‌اش را برآور و به واسطه او، محمد و اهل بیتش را که بعد از پیامبرت آن بلاها و ستم‌ها بر سرشان آمد، قدرتی تازه بخش.

و در دعایی دیگر به خداوند عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ وَ

جایی که بگویند چیزی از آن نگذشته است.»<sup>۱</sup>

#### ۴. تبیین مهدویت در سنگر دعا

بیش‌ترین توجه به عصر غیبت در ادعیه امام کاظم علیه السلام دیده می‌شود. دعا برای امام مهدی علیه السلام و فرج او، دعا برای موفقیت او در کارها پس از ظهور و هم‌چنین دعا برای اینکه از منتظران روزهای او باشیم. امام در ادعیه خود چنین می‌خواند: «أَسْأَلُكَ يَا سَمِيكَ الْمَكُونِ الْمَحْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ أَنْ تَعْجَلَ فَرَجَ الْمُنتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ؛<sup>۲</sup> از تو به اسم پوشیده و در گنجینه که زنده و برپادارنده است که هر کسی تورا به آن بخواند، محروم نمی‌گردد، درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود بفرستی و در فرج انتقام‌گیرنده از دشمنانت تعجیل کرده و به وعده‌ای که به او داده‌ای، وفا نمایی.»

امام به تبیین فرهنگ صحیح مهدویت با دعا پرداخته و در دعاهای خود به خداوند عرضه می‌داشت: «اللَّهُمَّ

۱. همان، ص ۳۰۲.

۲. ملاحم و الفتن، ص ۲۰۰.

۳. همان، صص ۲۹۱ - ۲۹۲.

انصُرُهُ وَ انصُرْ بِهِ دِينَكَ الَّذِي غَيَّرَ وَ بَدَّلَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْهُ وَ بَدَّلْ بَعْدَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الصَّادِقِينَ الْمُصَدِّقِينَ لَهُمْ الْمُنتَظِرِينَ لِأَيَّامِهِمُ النَّاطِرِينَ إِلَى شَفَاعَتِهِمْ؛<sup>۱</sup> خدایا! فرج قیام کننده آنان به امرت را زودتر برسان و او را یاری کن و با او دینت را که تغییر و تبدیل یافته، یاری نما و با او آن چه را که از میان رفته و پس از پیامبرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دچار دگرگونی شده، دوباره بنا بگذار و ما را از راستان و تصدیق کنندگان ایشان و منتظران روزگارشان و چشم دوختگان به شفاعتشان قرار بده.»

این ادعیه ما را با ویژگی‌ها و وظایف امام و هم چنین تکالیف ما نسبت به او آشنا می‌کند و در دل ما محبت و دلبستگی به او را جای می‌دهد. دعا در عصر پراختناق عباسی، ظرفی برای گفتن بسیاری از حرف‌هاست؛ قلبی که کم‌تر ایجاد حساسیت می‌کند.

### ۵. پیوند معنوی با مفهوم انتظار

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام در عبادات خود نیز به مفهوم مهدویت ناب توجه داده،

می‌فرمودند تا در سجده شکر، با نام بردن از یکایک امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام، بر ولایت آنان شهادت داده شود. این در حالی بوده که حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام هنوز به دنیا نیامده و چند نسل بعد زمان امامت ایشان می‌رسیده است.

این شهادت‌ها زمینه‌ساز پذیرش موعود و پیوند عاطفی شیعیان با اوست. در این باره آمده است: «تَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيََاءَكَ وَرُسُلَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللهُ رَبِّي وَالإِسْلَامُ دِينِي وَ مُحَمَّدًا نَبِيِّي وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ... الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أُمَّتِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرُّ؛<sup>۲</sup> در سجده شکر می‌گویی: خدایا! به راستی تو و فرشتگانت و پیامبران و رسولانت و تمام آفریدگانت را گواه می‌گیرم که به حقیقت تویی پروردگار من و اسلام دین من است و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، پیامبرم و علی و حسن و حسین و علی بن حسین و... حجت بن حسن بن علی عَلَيْهِمُ السَّلَام، امامانم هستند. ایشان

۲. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ج ۱، صص ۲۲۹ - ۳۳۰.

۱. الغيبة، ج ۲، ص ۷۶۷.

المُعْرِفَةَ انْتِظَارُ الْفَرَجِ؛<sup>۱</sup> برترین عبادت بعد از شناخت، انتظار گشایش است.»

امام کاظم علیه السلام به شیعیان خود گوشزد می فرمود که: «طُوبَى لِّشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مَوْلَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِتًّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أُمَّةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛<sup>۲</sup> خوشا به حال شیعیان ما؛ آنان که در غیبت قیام کننده ما به ریسمان ما چنگ می زنند، بر دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما استوارند؛ اینان از ما هستند و ما از اینان. ما را به رهبری برگزیده اند و ما ایشان را به پیروی پسندیده ایم، پس خوشا به حال ایشان و باز خوشا به حال ایشان. به خدا! اینان هستند که در روز قیامت با ما و در درجه ما خواهند بود.»

ایشان حتی جایگاهی آرمانی در حد یک آرزو در این زمینه برای خود و شیعیان ترسیم فرموده، چنین دعا می کردند: «وَ

را به سرپرستی می گیرم و از دشمنانشان بیزاری می جویم.»

## ۶. ترسیم عبادی انتظار

امام کاظم همانند پدرانش علیهم السلام شیعیان را به انتظار فرج در عصر غیبت دعوت کرده و آن را برترین عبادات پس از معرفت و آگاهی به شمار آورده است و انتظار را نوعی عبادت و عمل تلقی نموده است، نه یک حالت روانی. این عمل با چنین توقعی انجام می شود که حادثه ظهور رخ دهد و منتظر کسی است که برای آن روز، هم خود و هم شرایط را آماده می کند. در واقع، انتظار فراهم آوردن شرایط در درون و بیرون، برای حکومت حق است و از این رو، پس از آگاهی و معرفت، هیچ عملی را نمی توان در ردیف آن قرار داد.

در این روایات، امام کاظم علیه السلام از وظایف شیعیان در عصر غیبت سخن گفته و ایشان را به اموری توصیه کرده است که با رعایت آن ها می توان به رضایت ایشان و هم نشینی با آنان در بهشت دست یافت: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ بَعْدَ

۱. تحف العقول، حسن بن علی بن شعبه، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ص ۴۰۳.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۱.

اجْعَلْنَا مِنَ الصَّادِقِينَ الْمُصَدِّقِينَ هُمْ  
الْمُنْتَظَرِينَ لِأَيَّامِهِمُ النَّاطِرِينَ إِلَى شَفَاعَتِهِمْ وَ  
لَا تُضِلُّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ  
رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ؛<sup>۱</sup> ما را از راستانی  
قرار ده که آنان را تصدیق کرده، در انتظار  
روزهای آنان بوده و چشم به شفاعت آنان  
دارند و پس از آنکه ما را هدایت کردی،  
دچار گمراهی نگردان و از نزد خویش به ما  
رحمتی ببخش که به راستی تویی  
بخشاینده.»

### جمع‌بندی تبلیغی مقاله

#### کرونا؛ انتظار و ظهور

جهان در پایان سالی که گذشت، با  
پدیده‌ای شگرف و تلخ به نام ویروس  
«کرونا» روبرو شد که از گوشه‌ای و کنج  
آزمایشگاهی بیرون خزید و جهان را  
متلاطم ساخت و حیات بشر بار دیگر در  
برابر خطری موهوم و مرضی مُسری دچار  
چالش شد؛ جان‌ها به خطر افتاد،  
فعالیت‌های اقتصادی و حتی روابط  
ساده و طبیعی انسانی، همگی تحت  
تأثیر این ویروس قرار گرفت. قدرتهای  
مدعی جهان نیز، زیر سنگینی شیوع این

بیماری به خود لرزیدند و جهان در آستانه  
چالشی بزرگ قرار گرفت. هیمنه پوشالی  
غرب لیبرال و ظاهر ساز تمدن‌نما، در این  
بیماری کشف شد و دولت‌هایی به ظاهر  
متمدن که محموله‌های ماسک و مواد  
ضد عفونی کننده یکدیگر را به یغما  
می‌بردند!

رهبر انقلاب علیه‌السلام با تأکید بر اینکه این  
موضوع، یک آزمون عمومی و عجیب برای  
دولت‌ها و ملت‌ها بوده است، فرمودند:  
نکته مهم، خوش درخشیدن ملت ایران  
در آزمون این بیماری و بای مدرن است.

حوزه و روحانیت نیز در این  
مجاهدت، سهمی قابل تحسین را بر  
عهده گرفت و هرگز خود را تافته‌ای جدا  
بافته‌ای از مردم ندانست و مثل همیشه،  
در حوادث طبیعی سیل، زلزله و...  
فداکارانه، دین خود را نسبت به مردم ادا  
نمود. حوزه، به عنوان نهادی پیشگام در  
همدلی و همراهی با مردم، به صیانت از  
نظام جمهوری اسلامی در برابر  
هجمه‌های دشمنان به پا خاست و  
فعالانه و بانشاط در صحنه استوار ماند و  
چه بسا مجاهدت‌هایی کردند که هرگز در  
قاب قلم و تصویر و دوربین، نگنجید و

۱. الغیبه، ج ۲، ص ۷۶۷.

«خالصاً لوجه الله» انجام شد.

در این بین شبهات زیادی با موضوع کرونا و نشان آخرالزمان و ظهور رخ نمود که به تأسی از امام کاظم علیه السلام ما نیز باید در این عرصه وظیفه تبلیغی خود را انجام دهیم و پاسخهایی به این شبهه مطرح کنیم:

۱. انتظار و ظهور، یک باور است، نه یک رویداد: ظهور به شرایطی هم چون عدالت خواهی، ظلم ستیزی و آمادگی دنیا ارتباط دارد؛ یعنی دنیا باید امام زمان علیه السلام را بخواهد و تشنه عدالت و ظلم ستیزی باشد، پس یک بیماری یا ویروس نمی تواند علامت ظهور باشد. گذشته از آن، از این بیماری حتی جزء نشانه های قطعی یا غیر قطعی نام برده نشده است؛

۲. تطبیق حوادث آخرالزمان کار اشتباهی است: روایات علائم ظهور که اکثراً ضعیف هستند، یکی از آسیب هایی است که در این حوزه وجود دارد؛ ولی آسیب بدتر، تطبیق حوادث با علائم است؛ یعنی اگر روایتی صحیح باشد و از سوی امام معصوم نیز صادر گردد، باز تطبیق قطعی آن با یک موضوع بیرونی، اشکال دارد؛

۳. علائم ظهور نقشی در خود ظهور ندارند: علائم ظهور، صرفاً علامت

هستند و نقشی در خود ظهور ندارند؛ یعنی بر فرض صحت روایت و صدور آن از سوی امام و اینکه علامت مورد نظر با موضوعی که ما تطبیق می کنیم (مثل کرونا) درست باشد، الزاماً به معنی ظهور قطعی حضرت نیست و این علامت نقشی در ظهور ندارد؛  
۴. به اعتقادات مردم و جایگاه امام

لطمه نزنیم: آسیب بدتر اینکه وقتی علائم ظهور را این گونه مطرح می کنیم و حوادث مختلفی را به آن ارتباط می دهیم، معنای آن این است که باید از این وقایع خوشحال شویم. بنابراین، وقتی از کرونا به عنوان علامت ظهور نام می بریم، باید از انتشار این ویروس خوشحال شویم و بگوییم ظهور نزدیک است، در حالی که طرح چنین مسائلی باعث می شود جامعه از امام زمان علیه السلام فاصله بگیرد. چون وقتی می گوئیم آمدن امام زمان علیه السلام با چنین ضربه ها و سختی هایی همراه است، به طور طبیعی مردم می گویند: ای کاش ایشان در زمان ما نمی آمدند؛

۵. علما به علائم ظهور نمی پرداختند: بزرگان و علمای ما هرگز در طول تاریخ سرگرم علائم ظهور و تطبیق آن با وقایع نشدند؛ بلکه به دنبال آمادگی برای ظهور

بودند و جامعه باید مهیا باشد تا ظهور رخ دهد؛

۶. مهیای ظهور شویم: مهیا شدن برای ظهور امام زمان علیه السلام به معنای فرار از ظلم نیست؛ بلکه به معنای شناخت عدل است. پس برکات ظهور را بشناسیم و به سوی آن حرکت کنیم، نه اینکه به ستوه بیاییم و از نیامدنش بی تاب شویم؛

۷. کرونا بد بود: ولی ما را به خودمان آورد تا به معاد، توبه و مهدی جانها بیش تر بیندیشیم.